



# مسطوره

سطر سطر زندگی با آیه‌ها

۵۰ فراز برگزیده عملیات ماه مبارک رمضان ۱۴۴۵





بِسْمِ  
اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



# مسطورا

۵۰ فراز برگزیده عملیات ماه مبارک رمضان

۱۴۴۵







با هدف گفتمان سازی و تبدیل مفاهیم قرآنی مورد نیاز امروز جامعه به مسلمات فکری و بیانات افکار عمومی جامعه اسلامی در راستای فریضه قطعی و فوری جهاد تبیین، در نظر است با توجه به آغاز طرح سه ساله زندگی با آیه‌ها که قریب به ۱۵۰ آیه و فراز از قرآن کریم را در بر می‌گیرد و همچنین محور قرار دادن این آیات و فرازها در تمامی فعالیت‌های قرآنی کشور، در گام اول در ماه مبارک رمضان ۱۴۴۵ (هـ.ق) ۵۰ آیه و فراز قرآنی در دستور کار قرار گیرد.

در ادامه ۵۰ فراز و آیه بر اساس سطح بندی و اولویت بندی طبق توضیحات ذیل بحضورتان ارسال می‌گردد.

### ۷ فراز محوری‌تر از طرح مسطورا

این ۷ فراز محوری از بین ۵۰ فراز منتخب به منظور تاکید در گفتمان سازی تهیه شده است. دلیل مشخص کردن این فرازهای محوری این می‌باشد که در برخی محصولات و بسترها مثل بیلبوردهای شهری و ... نمی‌توان بر روی ۵۰ فراز یا ۳۰ فراز کار نمود و از طرفی در گفتمان سازی نیاز به تمرکز است که با تاکید بر این ۷ فراز تامین می‌گردد.

### ۳۰ فراز منتخب جزء محور مسطورا

۳۰ فراز از این ۵۰ فراز (جزءمحور) به جهت استفاده هر روز یک فراز و با سیر محتوایی کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی انتخاب شده است تا در جزء خوانی‌ها، جلسات، مساجد و مسابقات روزانه ماه مبارک رمضان،

تولیدات رسانه‌ای (شامل موشن گرافی، اینفو گرافی و ...) و ... قابل استفاده می‌باشد.

نکته : این ۳۰ فراز منتخب جزء محور همان فراز و آیات قبلی که به آن تاکید شده بود می باشد و اکثر عملیات‌ها بر اساس این ۳۰ فراز برگزار خواهد شد.

### ۲۰ فراز اعتقادی غیر جزء محور مسطورا

۲۰ فراز از این ۵۰ فراز (غیر جزء محور) به منظور استفاده در تولیدات رسانه‌ای (شامل موشن گرافی، اینفو گرافی و ...) که روز محور نمی باشد و در کل ماه مبارک رمضان در نظر دارد یک مفهوم قرآنی را منتقل نماید تهیه شده است.



## کمپین ماه مبارک رمضان

### ● گفتمان سازی «زندگی با آیه‌ها» برای ۳۰ میلیون نفر

انتقال گزاره «قرآن کریم زنده است که اگر کسی به آن رجوع کند، نیازهای او در زندگی امروز پاسخ می‌گیرد.» با استفاده از ابزارهایی همچون نماهنگ و متن برنامه محفل و پخش پرتکرار موشن‌ها از شبکه‌های پرمخاطب صداوسیما و بیلبوردهای شهری و بین شهری و ...

### ● ایجاد انس عموم مردم با:

❖ مفاهیم فرازهای قرآنی: تبیین

❖ الفاظ فرازهای قرآنی: حفظ

۵۰ فراز	۳۰ فراز	۵ فراز	۲ فراز
۵۰۰ هزار نفر	۱ میلیون نفر	۴ میلیون نفر	۱۰ میلیون نفر

### ● کنشگری با محوریت تعلیم و عمل به آیات توسط ۲۰۰ هزار نفر



۷ فاز محوری طرح  
مسطورا



## ۱- قیام برای خدا، تنها موعظه خدا

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنٍ وَفُرَادٍ  
ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ  
لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ سبأ



قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ [ای پیامبر] بگو شما را فقط به یک  
مطلب موعظه می‌کنم آن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنٍ وَفُرَادٍ [و آن] اینکه  
دوتا دوتا و یکی یکی برای خدا قیام کنید [و یا بر منافع  
شخصی خود به خاطر خدا بگذارید]. ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا سپس [در  
چنین حالتی، در کار پیامبرتان] اندیشه کنید مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ  
جِنَّةٍ [تا بدانید این] همراه و همنشین شما هیچگونه جنونی  
[و کم خردی] ندارد إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ  
[بلکه] او فقط هشدار دهنده به شما، بر آمدن عذابی شدید  
است.

## ۲- قرآن، بهترین راهنما

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ اسراء



[پس از آنکه بیان شد تورات برای هدایت و راهنمایی بنی اسرائیل فرستاده شده، برای اینکه دانسته شود قرآن کریم تا روز قیامت هادی و راهنمای همهٔ مردم است می فرماید] إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ قَطْعًا وَبِهَ رَاسْتِي كِه اَيْنِ قُرْآنَ [هَمِينِ كِتَابِي كِه دَر دَسْتَرَسِ شِمَاسْتِ] يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ بِه اَنچِه اسْتَوَاتِرِ وَ پَايدَارْتَرِ اسْتِ هِدَايَتِ وَ رَاهِنْمَايِي مِي كَنْد وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ وَ بِه مومنانِي كِه اَعْمَالِ صَالِحِ اَنْجَامِ مِي دَهَنْدِ بَشَارَتِ مِي دَهْدِ اَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا كِه پَادَاشِي بَسِيَارِ بَزْرَگِ [دُنْيَا وَ آخِرْتِ] مَخْتَصِ اَنهَاسْتِ.

### ۳- برتری همیشگی مؤمنین

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
﴿آل عمران ۱۳۹﴾



وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا نه درباره آینده نگران و ناامید باشید و نه برای گذشته حسرت زده و ناراحت، وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ چراکه شما همیشه برتر و پیروزید؛ به شرطی که مؤمن واقعی باشید. [چون سنت قطعی این است که اگر به خدا اعتماد داشته باشید و طبق دستورات او عمل کنید، هیچ کس نمی تواند شما را شکست دهد و خدا نیز این اعتمادتان را ضایع نمی کند. اما اگر سست شوید یا ایمانتان ضعیف شود، لزوماً برتر نخواهید بود و با شکست خوردن، ناراحتی و ناامیدی تان بیشتر می شود. پس در هیچ حالتی نمی توان به دلیل سستی و خستگی و به امید راحتی مقطعی بیشتر، دست از استقامت در مسیر خدا برداشت.]

## ۴- توحید در زندگی

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾  
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ انعام



[پس از آنکه بیان شد تورات برای هدایت و راهنمایی بنی اسرائیل فرستاده شده، برای اینکه دانسته شود قرآن کریم تا روز قیامت هادی و راهنمای همهٔ مردم است می فرماید] إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ قِطْعًا وَبِهِ رَاسْتِي كِه اِين قِرْآن [هَمِين كِتَابِي كِه در دسترس شماسْت] يَهْدِي لِئَلِي هِي اَقْوَمُ به آنچه استوارتر و پایدارتر است هدایت و راهنمایی می کند وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ وَ بِهِ مومنانِي كِه اعمال صالح انجام می دهند بشارت می دهد اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيرًا كِه پاداشي بسيار بزرگ [دنيا و آخرت] مختص آنهاست.



## ۵- حرف اول و آخر انبیا

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا  
الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ  
الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الْمُكْذِبِينَ ﴿٣٩﴾ نحل



وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا در هر امتی، رسولی مبعوث کردیم [تا پیام ما را به آن امت برساند که آن پیام عبارت است از:] **أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** فقط خدا را عبادت و اطاعت کنید و هرگز از طاغوت تبعیت و اطاعت نکنید. [در طول تاریخ، در کنار دعوت به توحید و بندگی خدا، امر به اجتناب از پیروی طاغوت، شعار واحد همهٔ رسولان الهی بوده است. طاغوت همان کسی است که در برابر خدا طغیان کرده، یعنی بندگی خدا را نپذیرفته و دیگران را به اطاعت و بندگی خود فرامی خواند.] **فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ**؛ [بعد از دعوت انبیا، بعضی از امت‌ها را خدا هدایت کرد] و راه راست را انتخاب کردند و به پیروی از رسولشان، با طاغوت مبارزه کردند و به بندگی خدای واحد رسیدند.] **وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ** و بعضی از امت‌ها یا مردم، عاقبت گمراه شدند و سرانجامشان عذاب شد! **فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ** در زمین سفر کنید تا ببینید در طول تاریخ، سرانجام آنهایی که دعوت انبیا را تکذیب کردند، چه شد. [سفر کنید و ببینید که عاقبتشان چیزی جز نابودی و هلاکت نبود.]

## ۶- نفی ولایت غیر خدا

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ  
 اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ  
 كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ عنكبوت



مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ مَثَلِ كَسَانِي كِه وِلَايَتِ غَيْرِ  
 خدَا رَا پِذِيرْتَنَد [و با آنان هم جبهه شدند تا مشکلاتشان حل  
 شود و پشتیبانی داشته باشند]، مَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا  
 مانند عنكبوتی می ماند که [از تارهای نازک و سستش] خانه  
 ساخته باشد! وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ درحالی که  
 قطعاً سست ترین خانه ها، خانه عنكبوت است. [به همین  
 صورت، هر پشتیبانی غیر از خدا، سست است و اگر کسانی به  
 پشتیبانی غیر خدا دل خوش کنند، هیچ امنیت و آرامشی  
 دریافت نخواهند کرد.] لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ اگر اهل علم و معرفت  
 بودند، [این مسئله را می فهمیدند که پذیرش ولایت دشمنان  
 خدا و دوستی و هم جبهه شدن با آنان برای قدرتمندی بیشتر،  
 سرابی بیش نیست!]

## ۷- ساخت آخرت با عمل‌های کوچک دنیایی

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ  
ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾ زلزلا



[آخرت در پیوستگی کامل با دنیاست، آخرت چیزی نیست مگر صورت باطنی همین اعمال دنیوی. دنیا فرصت عمل و آخرت جایگاه حسابرسی و پاسخ است.] فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرُهُ پس هرکس به اندازه ذره‌ای کار خیر کرده باشد، خود آن کار را می‌بیند [و صورت اخروی آن کار به‌عنوان پاداش به او میشود]، وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرُهُ و هرکسی هم با اندازه ذره‌ای کار بد کرده باشد، خود آن کار را می‌بیند. [در واقع، صورت اخروی خود آن کار را به‌عنوان مجازات می‌بیند.]





۳۰. فاز منتخب جزء محور طرح

مسطورا

فصل اول - ایمان و امید

طرحی نواز قرآن

سطراول

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ بقره



ذَلِكَ الْكِتَابُ آن کتابی است [که از سمت خدای بزرگ برای شما انسان‌ها فرستاده شده است تا بر اساس آن، زندگی دنیوی و اخروی خودتان را مدیریت کنید]. [لَا رَيْبَ فِيهِ در آن کتاب هیچ شک و تردیدی وجود ندارد؛ زیرا هیچ بشری توان نوشتن و آوردن چنین کتابی را ندارد و تمامش از طرف خدای متعال نازل شده است].  
**هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ** [آن کتاب با عظمت،] هدایت‌کننده انسان‌های باتقوا است [که از گمراهی‌ها و تاریکی‌ها به سمت خوشبختی و نور هدایت می‌کند. آنهایی که اهل سرکشی، طغیان و گناه باشند و احساس بی‌نیازی از هدایت‌های خدا کنند، از هدایت‌های آن کتاب، بی‌بهره خواهند ماند].

دوبال ایمان و عمل

سطر دوم

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ بقره



إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَطْعاً أَن كَسَانِي كِه اِيْمَانِ اِيْمَانِ قَلْبِي  
و باطنی آوردند و به خدا در هر شرايطی اعتماد کرده و باورشان را  
حفظ کردند] وَالَّذِينَ هَاجَرُوا و آن كسانی كه هجرت کردند؛ [يعنى  
ايمانشان صرفاً يك اعتقاد قلبى نبود، بلكه به عمل تبديل شد]  
وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ [و در يك كلام،] اَن مُّؤْمِنَانِي كِه اهل مبارزة  
خستگى ناپذير در راه خدا باشند؛ اُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ اَن مُّؤْمِنَانِ، بايد انتظار رحمت ازسوى خداى متعال را  
داشته باشند؛ همان خدايى كه بسيار آمرزنده و مهربان است.  
[رحمت خدا نصيب كسانی مى شود كه علاوه بر ادعاى ايمان قلبى،  
اهل عمل بر اساس ايمانشان باشند.]

ایمان آگاهانه

سطر سوم

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ  
بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ  
رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ  
الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ بقره



ءَأَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِء رسول الله [خود نیز به عنوان رهبر]، به آنچه بر او ازسوی پروردگارش نازل شده، ایمان و اعتماد کامل دارد. ءَوَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمَّنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِء و مؤمنان هم، مانند رسول الله ایمان دارند، همه مؤمنان به خدا و ملائکه اش و کتاب هایش و پیامبرانش ایمان دارند. ءَلَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِء [و براساس ایمان استوارشان گفتند:] میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی گذاریم، [همهء پیامبران در یک مسیرند و اتفاقاً سخن ما به پیروان دیگر پیامبران این است که از مسیر پیامبر خودتان منحرف شده اید؛ بیاید با هم، مسیر صحیح پیامبران را ادامه دهیم.] ءَوَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا و مؤمنان گفتند به گوش جان شنیدیم و آگاهانه فهمیدیم و اطاعت کردیم؛ ءَغُفْرَانَكَ رَبَّنَا پروردگارا، آموزش تو را خواستاریم ءَوَالَيْكَ الْمَصِيرُ و سرانجام همه، به سوی توست.



برتری همیشگی مؤمنین

سطر چهارم

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
 آل عمران ﴿۳۹﴾



وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا نه دربارهٔ آینده نگران و ناامید باشید و نه برای گذشته حسرت زده و ناراحت، وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ چراکه شما همیشه برتر و پیروزید؛ به شرطی که مؤمن واقعی باشید. [چون سنت قطعی این است که اگر به خدا اعتماد داشته باشید و طبق دستورات او عمل کنید، هیچ کس نمی تواند شما را شکست دهد و خدا نیز این اعتمادتان را ضایع نمی کند. اما اگر سست شوید یا ایمانتان ضعیف شود، لزوماً برتر نخواهید بود و با شکست خوردن، ناراحتی و ناامیدی تان بیشتر می شود. پس در هیچ حالتی نمی توان به دلیل سستی و خستگی و به امید راحتی مقطعی بیشتر، دست از استقامت در مسیر خدا برداشت.]

نفی ایمان دل بخواهی و گاه گاهی

سطر پنجم

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٥١﴾ نساء



إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ هَمَانَا كَسَانِي كِه [منافقتند و] به خدا و پیامبران‌ش کفر می‌ورزند، [هرچند در ظاهر ادعای ایمان دارند اما واقعا مؤمن نیستند] وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ و می‌خواهند بین خدا و پیامبران‌ش دوگانگی ایجاد کنند و [به همین خاطر می‌گویند: بعضی از دستورات پیامبر، از سوی خدا نیست؛ تا بتوانند از بعضی دستورات دین اطاعت نکنند] وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ [و در نتیجه] می‌گویند به بعضی [از دستورات دین] ایمان می‌آوریم و به بعضی کفر می‌ورزیم. [هرجا دین به مذاقشان خوش نیاید آن را کنار می‌زنند!] وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا و [به این صورت] می‌خواهند بین ایمان و کفر، مسیری برای خودشان دست و پا کنند؛ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا اینان حقیقتاً کافرند [و مسیرشان کاملاً مسیر کفر است نه چیزی میان ایمان و کفر] وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا و برای کافران، عذابی ذلیل کننده آماده کرده‌ایم [که چون اینها هم کافرند، شاملشان می‌شود. چیزی میان ایمان و کفر، با دین سفارشی! نداریم. یا باید بنده خدا باشیم و دین را درهرحالی اطاعت کنیم و یا کافریم.]

آیه مرتبط در جزء پنجم

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾ نساء



[مؤمن بودن به ادعا نیست؛] **فَلَا وَرَبِّكَ** نه، به پروردگارت قسم! **لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ** این‌ها مؤمن محسوب نمی‌شوند، مگر اینکه در هر اختلاف و مشاجره‌ای که بینشان رخ دهد، تو را به‌عنوان پیغمبر، در مقام داور قبول کنند، **ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ** این پذیرش هم از صمیم قلب و با آغوش باز باشد و هیچ کدورتی در قلبشان نسبت به حکم تو پیغمبر ایجاد نشود ولو به‌ضررشان باشد. **وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** و کاملاً تسلیم حکم خدا و رسولش باشند. [رسول و رهبر الهی نماینده خدا در زمین محسوب می‌شود و اطاعت خدا به اطاعت اوست و اگر حکم رسول را قبول نکنیم، از دایره مؤمنان خارج می‌شویم.]

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا  
مُبِينًا ﴿١٧٤﴾ نساء



يَا أَيُّهَا النَّاسُ ای مردم! قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ دلیل قاطعی،  
[یعنی قرآن، برای اتمام حجت و هدایت شدنتان] ازسوی  
پروردگارتان آمد. [این قرآن اتمام حجت می‌کند و بهانه‌ای برای  
هدایت نشدن باقی نمی‌گذارد] وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا و برای شما، نور  
مورد نیاز برای روشن ساختن مسیر زندگی‌تان نازل کردیم [که این  
نور، همان قرآن است]، مُبِينًا نوری واضح و روشن‌کننده. [هدایت  
قرآن مثل نور است و برای کسانی مفید خواهد بود که ایمان  
واقعی داشته باشند. نور ایمان به قرآن، در هر نقطه‌ای از مسیر،  
ادامه مسیر را روشن می‌کند و نیازی نیست - جز به اجمال در  
تعیین هدف و نوید آرمان‌ها- همه جزئیات مسیر را از اول نشان  
دهد.]

فصل دوم- توحید و جهت حرکت

سطر هفتم

تنها قدرتمند عالم

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ  
فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٣٢﴾ انعام



ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خدا [یی با این عظمت که نشانه‌های عظمتش در آیات پیشین بیان شده، پروردگار شماست و با این عظمت، دیگر جایی دل بستن به دیگران و شریک گرفتن در عبادت باقی نمی‌گذارد.] لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ غیر از خدای متعال، هیچ‌کس دیگری این شأنیت را ندارد که حیران و خاضع در برابر او شوید. خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ اوست که همه چیز را آفریده [و بقیه مخلوق او هستند، پس باید او را بپرستید. ] لذا هیچ انسانی نمی‌تواند خودش را در مخلوق بودن، بالاتر از دیگر انسان‌ها بداند تا به واسطه آن برتری، پرستیده شود. [وهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ و او عهده‌دار همه چیز است. ] همه می‌توانند بدون ترس از وجود معارض یا شریک، با خیال راحت به او تکیه کنند. ]

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾  
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ انعام



قُلْ [ای پیامبر] بگو: إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ  
 الْعَالَمِينَ [حال که خدا پروردگار همهٔ جهانیان است و همهٔ  
 نیازهایشان را پاسخ می‌دهد،] من نیز تمام نمازم و عبادت‌ها  
 و مناسکم و زندگی و مرگم در جهت و فقط بخاطر پروردگار جهانیان  
 است؛ [بعبارت دیگر همهٔ افعال فردی و اجتماعی‌ام را فقط به  
 خاطر خدا انجام می‌دهم.] لَا شَرِيكَ لَهُ بدون اینکه هیچ‌کس  
 دیگری را در نیت و هدفم شریک او کنم وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ و به این کار  
 امر شده‌ام. [رهبر الهی چیزی بیش از مأمور از سمت خدا نیست و  
 هرچه امر شده‌است، انجام می‌دهد.] وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ و اصلاً  
 خود من - پیامبر - بیش از بقیه باید تسلیم دستورات خدا باشم [و  
 همچنین تمام امورم براساس دستور خدا و برای او باشد.]

عبادت انحصاری خدا

سطنر نهم

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ  
فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ  
اعراف ﴿١٩٤﴾



إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ آن کسانی که غیر از خدا، صدایشان می‌زنید [و از آنها حاجت می‌خواهید و در خانه‌شان ضجه می‌زنید که کارتان را راه بیندازند]. عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ قطعاً خودشان مثل شما بنده و نیازمندند. [نه نیاز خودشان و نه نیاز شما را نمیتوانند پاسخ دهند]. فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ پس اگر شما [در حاجت خواستن از آنها،] راست‌گو هستید [و گمان می‌کنید آنها می‌توانند کاری برایتان بکنند!] پس آنها را صدا بزنید و نیازتان را به ایشان بگویید و قاعدتاً باید حاجتتان را بدهند! [اما حتماً آنها نمی‌توانند نیازهای شما را برآورده کنند؛ زیرا هیچ کسی غیر از خدا برطرف‌کننده نیازهای انسان نیست و همین دلیلی بر خدایی خدا در برابر دیگران است.]

اطاعت انحصاری خدا

سطردهم

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ  
وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا إِلَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

توبه ﴿۳۱﴾



[هیچ کس جز خدای یکتا را نباید پرستید و اطاعت محض فقط از آن خداست؛ اما اهل کتاب غیرخدا را عبادت و اطاعت کردند!] اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ اهل کتاب، علما و عابدانشان را در کنار خدا، به خدایی گرفتند [و با اینکه می دانستند این عابدان و علما، واقعا مطیع دستورات خدا نیستند، از روی تعصبات گروهی و قبیلگی اطاعتشان کردند.] وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ و حضرت مسیح فرزند مریم را هم به خدایی گرفتند [تا بتوانند از زیر دستورات خدا برای مبارزه و جهاد شانه خالی کنند. مسیح بن مریم علیه السلام خدایی شد که «فقط» مهربان است و بعد از او، دیگر گناهان انسان های بی ایمان بخشیده شده و نیازی به تلاش و مبارزه نیست.] وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا درحالی که فقط به آنها دستور داده بودیم خدای + یکتا را پرستند [و این کارشان، شرک است] لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ هیچ کسی که قابل پرستش باشد، غیر از او نیست و او از این چیزهایی که شریکش می کنند منزّه است [و نمی توان معبودی را، هم عرض او قرار داد و این را جزو دین دانست.]



يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا  
 إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ  
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ حجرات



يَا أَيُّهَا النَّاسُ ای مردم، [هیچ کدام از معیارهای پوچ بشری، معیار برتری شما بر هم و جواز غیبت و تعصب و تندی و سوءظن و... نیست. این گناهان که سبب اختلافات در جامعه است، همواره ریشه در توهم‌های پوچ برتری یک طائفه بر طائفه دیگر از مردم، با این معیارهای پوچ را دارد] **إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ** همانا ما شما را از یک مرد و زن واحد خلق کردیم [و همه هم خون و برابرید **وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا** و خودمان شما را در قالب ملت‌ها و قبیله‌ها تفکیک کردیم، تا این تفکیک باعث شناخت بیشتر شما از هم گردد] و نه اینکه عامل برتری طلبی بر یکدیگر باشد. [ **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** تنها معیار برتری و گرامی‌تر بودن نزد خدا [که برتری واقعی است]، تقوا است و با تقواترین‌تان گرامی‌ترین نزد خداست. **إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ** همانا خداوند دانا و باخبر [از همه چیز، از جمله ملاک‌های واقعی برتری شما نسبت به یکدیگر] است.

❖ آیه مرتبط در جزء ۱۱

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْعَزِيزُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
 إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾ یونس



قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا [مشرکان] گفتند: خدا فرزندی گرفته [تا طبقات  
 اجتماعی و عزیزکرده‌های خدا ایجاد کنند تا به این واسطه، اطاعت  
 خدا را دور بزنند و برای خود امتیازات ویژه قرار دهند.] سُبْحَانَهُ هُوَ  
 الْعَزِيزُ اما خدا از این حرف‌های باطل منزه و پاک است، خدا به فرزند  
 هیچ نیازی ندارد. [همه انسان‌ها در برابر خدا، مساوی و باید بنده  
 او باشند. تنها بی‌نیاز در عالم خداست.] لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي  
 الْأَرْضِ همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مال اوست.  
 إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا [شما که ادعای فرزند داشتن برای  
 خدا میکنید،] بر حرفتان دلیلی ندارید. أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا  
 تَعْلَمُونَ آیا چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت می‌دهید؟!

يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ  
يوسف ﴿٣٠﴾



[حضرت یوسف در زندان به دو نفری که تعبیر خواب از ایشان خواستند، فرمود: **يَصْحَبِي السِّجْنِ** ای دو نفر هم‌بندی‌های من در زندان، [عقل و وجدانتان را قاضی کنید؛] **أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ** آیا بنده چند ارباب بودن بهتر است [که هرکدامشان نظر و دستور خودش را داشته باشد؟] **أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ** یا بنده خدای واحد بودن بهتر است که او حریف همه چیز هست [و اگر دستور او را اطاعت کنید، همه چیز را خود او حل می‌کند؟]  
[معلوم است که دومی بهتر است و هیچ راه دیگری هم برای انسان متصور نیست. هرکس راه دیگری نشان دهد، درحال فریب‌بندگان است. مُشْرک، دچار خوف و به‌هم‌ریختگی است؛ اما انسان موحد آرامش دارد.]

فصل سوم - نبوت و قیام

فلسفه نبوت

سطر سیزدهم

الرِّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى  
النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾ ابراهیم



کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ آيِنِ قُرْآن، کتابی است که به تو نازل کردیم.  
لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تا تو بتوانی به اجازه  
و کمک پروردگار این مردم، آنها را از تاریکی‌های جهل خارج کنی و به  
نور رهنمون سازی. [فایده نور، روشن کردن مسیر است و نتیجه  
تاریکی، این است که انسان نداند چه باید بکند و کجا برود! برای  
اینکه بدانیم به چه سمتی باید برویم، به وحی الهی نیاز داریم.  
قرآن، همان نور هدایت‌کننده از طرف خدای متعال است.]  
إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ این نور، مردم را به راه خداوندی هدایت  
می‌کند که همیشه شکست‌ناپذیر ستودنی است. [این مسیر هم  
بی‌نقص است و اگر همه جمع شوند، نمی‌توانند مانع رسیدن  
روندهی این مسیر به مقصد شوند.]

حرف اول و آخر انبیا

سطر چهاردهم

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ  
فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي  
الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ ﴿٣٦﴾ نحل



وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا در هر امتی، رسولی مبعوث کردیم [تا پیام ما را به آن امت برساند که آن پیام عبارت است از: **أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** فقط خدا را عبادت و اطاعت کنید و هرگز از طاغوت تبعیت و اطاعت نکنید. [در طول تاریخ، در کنار دعوت به توحید و بندگی خدا، امر به اجتناب از پیروی طاغوت، شعار واحد همهٔ رسولان الهی بوده است. طاغوت همان کسی است که در برابر خدا طغیان کرده، یعنی بندگی خدا را نپذیرفته و دیگران را به اطاعت و بندگی خود فرامی خواند]. **فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ**؛ [بعد از دعوت انبیا، بعضی از امت‌ها را خدا هدایت کرد [و راه راست را انتخاب کردند و به پیروی از رسولشان، با طاغوت مبارزه کردند و به بندگی خدای واحد رسیدند]. **وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ** و بعضی از امت‌ها یا مردم، عاقبت گمراه شدند و سرانجامشان عذاب شد! **فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ** در زمین سفر کنید تا ببینید در طول تاریخ، سرانجام آنهایی که دعوت انبیا را تکذیب کردند، چه شد. [سفر کنید و ببینید که عاقبتشان چیزی جز نابودی و هلاکت نبود]

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ  
زَهُوقًا ﴿٨١﴾ اسراء



وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ [و ای پیغمبر] بگو: حق آمد وَزَهَقَ الْبَاطِلُ و باطل نابود شد. [این سنت الهی است و راه انبیا هم که مصداق حق است، مشمول این سنت می شود؛] إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا سنت این است که اساساً باطل، نابودشده است. [باطل یعنی پوچ، به این معنا که از ابتدا شکست خورده بوده و در واقع عالم، هرگز نمی تواند کاری بیش ببرد. طبق این سنت، انسان هرکاری در راه خدا و پیروی از انبیا کند، چون «حق» است، محقق خواهد شد و سرانجام در عالم تأثیر می گذارد و پیروز می شود.]

أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي  
صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ  
لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ طه



[خداوند به موسی وحی کرد]: **أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ** به سمت فرعون برو **إِنَّهُ طَغَى** چون فرعون در برابر بندگی خدا طغیان کرده [و تبدیل به طاغوت شده است]. **قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي** [موسی در پاسخ به این مأموریت سنگین گفت: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن، شخصیت والا به من بده که هرگونه سختی و فرازونشیب این مأموریت را بتوانم با روح وسیع خودم تحمل کنم]، **وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي** و کارم را [در این مأموریت پس از بعثت،] آسان کن، **وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي** گره از زبان من بگشای [تا بتوانم به خوبی پیام تو را به فرعون و فرعونیان ابلاغ کنم]، **يَفْقَهُوا قَوْلِي** تا حرفم را بفهمند و در نتیجه از طغیان‌گری دست بردارند و بنده‌های واحد شوند.

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحَقَمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا  
 الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ  
 عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾ حج



[اجازه جنگ و قیام داده شد به] [الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ] همان  
 کسانی که اگر در زمین قدرت و حکومت به آنان بدهیم، أَقَامُوا  
 الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ [در ابعاد همان قدرت و حکومتشان،] نماز برپا  
 می‌دارند و زکات می‌دهند. به عبارت دیگر کارخانه انسان سازی راه  
 می‌اندازند وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ و [در ابعاد حکومتشان]  
 به معروف و واجب امر کرده و از منکر و حرام، نهی می‌کنند [تا آنها  
 را ریشه‌کن کنند. این مستضعفان و مظلومان همان کسانی  
 هستند که اگر صاحب حکومت شوند، همه تلاششان تحقق  
 احکام الهی در جامعه است.] وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ و سرانجام اتفاقات  
 و امور [- قضایای سیاسی و نبرد قدرت -] فقط برای خداست و به  
 دست اوست. [او تعیین می‌کند قدرت و حاکمیت سرانجام به این  
 بندگان برسد و به آنان نیز ماموریت داده که از سوی خدا،  
 «حاکمیت دین» را محقق نمایند.]



## سطر هجدهم

## لزوم اطاعت از انبیا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ  
فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ  
بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ نساء



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای مؤمنان أَطِيعُوا اللَّهَ از خدا اطاعت کنید [که در  
قلب اطاعت از نمایندگان او متجلی است.] وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى  
الْأَمْرِ مِنْكُمْ و [به همین خاطر] از رسول و صاحبان امر [حکومت  
از سوی خدا و رسول] از میان خودتان اطاعت کنید. فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي  
شَيْءٍ [پس با این حساب که اطاعت رسول و اولی الامر در یک رتبه،  
و در طول اطاعت از خداست،] اگر در مورد چیزی به اختلاف  
خوردید، فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ پس داوری در آن را به خدا [و در  
مرتبۀ بعد] به رسول ارجاع دهید. [البته وقتی رسول نباشد،  
همان اولی الامر در جای او می‌نشینند و فکر نکنید نظر خدا چیزی  
غیر از نظر رسول و جانشینان اوست.] إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ  
الْآخِرِ [البته] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، [اگر قرار است به  
غیر اینها ارجاع دهید و در اختلافات حرف خودتان یا غیر رسول و  
جانشینانش را به کرسی بنشانید که دیگر مؤمن نیستید.] ذَلِكَ  
خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا این کار [نه تنها اقتضاء ایمان است بلکه  
برایتان] بهتر است و سرانجام بهتری هم دارد [و به نفع خودتان  
است هرچند نفهمید و در اختلاف، فقط نظر خودتان را درست  
بدانید.]

آیه مرتبط در جزء هجدهم

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ  
بَيْنَهُمْ أَنْ يُقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

﴿٥١﴾ نور



إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ سَخَنَ  
مؤمنان واقعی زمانی که دعوت می‌شوند تا خدا و رسول بینشان  
حکم و داوری کند، فقط این است: أَنْ يُقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا شنیدیم  
و چون حرف حق بود اطاعت کردیم. وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و فقط  
همین مؤمنان رستگار می‌شوند. [اینان مسیر دنیا و امتحاناتش  
را به خوبی به آخر می‌رسانند. کسانی که حتی در قلبشان، حکم  
خدا و رسول را قبول نکنند، نمی‌توانند این مسیر را به سلامت و  
فلاح به پایان برسانند]

فصل چهارم - ولایت و هم جبهگی

اصل مترقی ولایت

سطر نونزدهم

فَلَمَّا تَرَىٰ الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ  
 ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ شعراء



[در مسیر فرار بنی اسرائیل از دست فرعونیان، لشکر فرعون که به دنبال بنی اسرائیل آمده بود، به آنان رسید.] فَلَمَّا تَرَى الْجُمُعَانَ زمانی که دو جمعیت [فرعونیان و بنی اسرائیل] یکدیگر را دیدند، قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ اصحاب موسی گفتند: ما قطعاً گرفتار فرعونیان میشویم [و هیچ راه فراری هم نداریم]. قَالَ كَلَّا [اما حضرت موسی به عنوان رهبر و فرمانده بنی اسرائیل] گفت: هرگز! [به هیچ عنوان گرفتار فرعونیان نمی شویم؛] إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ چون پروردگارم در این جنگ، همراه ماست. [من به خدای قدرتمندی که طرف ماست، اعتماد کامل دارم] و مطمئن هستم راه خروج از این بن بست را به زودی به ما نشان خواهد داد.

نفی ولایت غیر خدا

سطر بیستم

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ  
 اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ  
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ عنكبوت



مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ مَثَلِ كَسَانِي كِه وِلَايَتِ غَيْرِ خِدا رَا پذيرفتند [و با آنان هم جبهه شدند تا مشكلاتشان حل شود و پشتيباني داشته باشند]، كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا مانند عنكبوتی می ماند كه [از تارهای نازك و سستش] خانه ساخته باشد! وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ در حالی كه قطعاً سست ترین خانه ها، خانه عنكبوت است. [به همین صورت، هر پشتيباني غير از خدا، سست است و اگر كسانی به پشتيباني غير خدا دل خوش كنند، هیچ امنيت و آرامشی دریافت نخواهند كرد.] لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ اگر اهل علم و معرفت بودند، [این مسئله را می فهمیدند كه پذیرش ولایت دشمنان خدا و دوستی و هم جبهه شدن با آنان برای قدرتمندی بیشتر، سرابی بیش نیست!]

پیوندهای جامعه ولایی

سپریست ویکم

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ  
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿۵۵﴾ مائده



إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلِيٌّ، [حاکم و هم جبهه] شما فقط خدا و [در طول او] رسول خدا و مؤمنانی هستند الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ که نماز برپا می‌دارند [و به دنبال توسعه یاد خدا در جامعه هستند] وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ و در حال رکوع، [خشوع و تسلیم کامل نسبت به خدا] زکات می‌دهند [و وظایف اجتماعی‌شان را انجام می‌دهند. حکومت خدا در تبعیت مردم از همین نمایندگان او متجلی می‌گردد و دین‌داری در تبعیت از رسول و جانشینان او در امر نمایندگی از خداست. جانشینانی که کاملاً تابع خدا هستند و مانند رسول، تنها امر خداوند را اجرا می‌کنند.]

❖ آیه مرتبط در جزء ۲۱

التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ  
بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ  
تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾ احزاب



التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ پیامبر، برای مؤمنان حتی نسبت به خودشان هم اولویت بیشتری دارد. [ولایت پیامبر، برتر از ولایت هرکسی و حتی خود انسان است.] وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ همسران پیامبر هم به عنوان مادران مؤمنان محسوب می‌شوند. [پیامبر پدر امت اند و همسران ایشان مانند حضرت خدیجه مادران این امت هستند و یکایک اعضای جامعه اسلامی برادر و خواهر هم به‌شمار می‌روند.] وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ و برخی از خویشاوندان از برخی دیگر (مؤمنین و مهاجرین) به انسان نزدیک‌ترند [و حق بیشتری در اکرام شدن دارند؛ ولی این اولویت، به معنای بی احترامی به دیگران یا خودداری از احسان به آنان نیست! بلکه هرکسی می‌تواند برای دیگر مؤمنان که ولایت ایمانی بر آنان و برادری دارد، کار نیک انجام دهد.] این سخن، در کتاب خدا ثبت شده است. إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا مگر آنکه بخواهید در حق اولیای خود کار پسندیده ای انجام بدهید [که نه تنها اشکالی ندارد، بلکه بسیار خوب است.] كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا این [رابطه برادری و مادری و... و ولایت‌های متفاوت حاصل از آن] در کتاب تکوین و قوانین عالم نوشته و ثبت شده [و سنتی تغییرناپذیر است.]

ولی الهی، قطب اصلی جامعه

سطر بیست و دوم

وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى  
وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطَّعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ  
إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ  
يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً ﴿۳۳﴾ احزاب



إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ خداوند اراده کرده است که «فقط» شما اهل بیت را از هرگونه ناپاکی پاک کند. وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً و به طور کامل، از هر گناه و بدی پاک و پاکیزه کند. [این موضوع صرفاً دربارهٔ اهل بیت است و این پاکان امت، برترین افراد برای ولایت بر امت و مدیریت آن به شمار می‌روند.]

هم جبهه با شیطان

سطر بیست و سوم

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ  
عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٦﴾ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٦﴾



أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ مگر ای فرزندان آدم، با شما عهد نبستم  
که آن لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ شیطان را نپرستید؟! إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ  
زیرا او به وضوح دشمن شماست. [انسان عاقل که دشمن خود را  
نمی‌پرستد؛ چون به ضرر خود اوست. البته پرستش آشکار شیطان  
در بشر چندان دیده نمی‌شود؛ پس خداوند پیروی، تبعیت و  
اطاعت از شیطان را پرستش او دانسته است و می‌فرماید:] وَأَنِ  
اعْبُدُونِي و [مگر عهد نبستم که به جای شیطان و دیگران،] فقط  
بنده من باشید [و فقط مرا اطاعت کنید؟!] هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ این  
بندگی من، همان شاهراه اصلی و نزدیک‌ترین مسیر به هدایت  
است. [آنچه تهدید اصلی برای انسان به شمار می‌رود، این است که  
بنده شیطان شود. یعنی شیطان از گلوگاهی وارد می‌شود تا  
معبود و رهبر فرد و جامعه شود و در عرض خدا، مردم را به عبادت  
و اطاعت خود فراخواند!]



هم جبهه با شیطان

سطر بیست و چهارم

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

فصلت ﴿۳۰﴾



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا کسانی که گفتند پروردگار ما الله است [و فهمیدند همه امورشان «فقط» به دست خدا باید مدیریت بشود] و سپس بر این حرف و عملشان استقامت کردند [و با وجود سختی‌های فراوان این مسیر، آن را رها نکردند،] تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ قطعاً ملائکه بصورت پیوسته و مداوم بر آنها نازل می‌شوند أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا [تا به قلب آنها الهام کنند که] از آینده نترسید و برای گذشته ناراحت نباشید! وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ و این مزده بر شما باد که سرانجام به بهشت خواهید رفت؛ همان بهشتی که به آن وعده داده می‌شدید. [این سرانجام را از یاد نبرید تا بتوانید پایمردی کنید.]

فصل پنجم - معاد و مقصد

تفکیک ناپذیری دنیا و آخرت

سطر بیست و پنجم

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ شوری



مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ هرکسی محصول اخروی [و نامحدود] از کارهایش بخواهد، نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ نتیجه و محصول عملش را افزایش می دهیم. [پس اتصال نتیجه اخروی به عملش حفظ می شود و محصول عملش است، اما متناسب با همان عمل، محصول عمل را بسیار زیادتر می کنیم]. وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا و هرکسی محصول دنیوی از کارهایش بخواهد، نُؤْتِهِ مِنْهَا از همان دنیا یک قسمتی به او می دهیم. [فقط یک نتیجه دنیوی و محدود از اعمالش، هر مقداری که باشد، به او می دهیم]. وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ولی از محصول اخروی هیچ سهمی نخواهد داشت! [یعنی اتصال محصول به عمل، تابع نیت هم هست و خدا تأکید می کند نیت دنیوی از عمل، هیچ نتیجه اخروی ندارد].

حقیقتی گریزناپذیر

سطر بیست و شش

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْحَيْرِ فِتْنَةً وَ  
إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿۳۵﴾ انبیاء



كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ همه افراد مرگ را می‌چشند [و امکان فرار از مرگ را ندارند]؛ وَ نَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْحَيْرِ فِتْنَةً و [در مسیر زندگی تا مرگ] به بدی و خوبی، [سختی و رفاه، یا بدی از طرف شیاطین و خوبی از سوی عالم تکوین] آزمایشتان می‌کنیم وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ و [سپس برای حسابرسی میزان موفقیت در امتحان‌ها] به سوی ما بازگردانده می‌شوید

آیه مرتبط در جزء ۲۶

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾ ق



وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ [و سرانجام برای هر انسانی] لحظه‌ای فرا می‌رسد که می‌بیند در آستانه بیهوشی و مرگ است [و دارد از این دنیای مادی خارج میشود]. بِالْحَقِّ این مرگ، برای همه قطعی است. ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ [به انسان در حال مرگ، در آن لحظه گویا ندا داده می‌شود که] این همان چیزی است که از آن فرار می‌کردی! [سرانجام معلوم شد از مرگ نمی‌توان فرار کرد و اکنون انسان گرفتار در چنگال مرگ، به حالت درماندگی و تسلیم افتاده است. همان چیزی که جزو یقینی‌ترین اتفاقات زندگی هر فرد بود؛ اما انسان از آن غفلت داشت.]

آمادگی و مراقبه برای مرگ

سطر بیست و هفت

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيغُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٣٠﴾ حديد



[انفاق کنید و دنیایتان را در راه آخرتتان خرج کنید؛] **اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا** بدانید که زندگی دنیا بدون آخرت [با همه رقابت‌ها و حرص‌هایش،] **لَعِبٌ** فقط چیزی شبیه بازی بچه‌هاست [و معلوم نیست به چه دردی می‌خورد!] **وَهُوَ** و کار بیهوده ایست **وَ زِينَةٌ** فقط به درد زینت و زیباکردن می‌خورد؛ [ولی واقعاً نیازی را برطرف نمی‌کند.] **وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ** و فقط مسابقه فخر است؛ [ولی درحقیقت هیچ سودی ندارد.] **وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ** و مسابقه‌ای بی‌هدف در افزایش اموال و اولاد است. [انسان تا کودک است، بازی می‌کند، نوجوانی را بی‌هدف می‌گذارند، در جوانی، به فکر زینت و زیبایی گذران دنیاست و در میان‌سالی و پیری هم، به فخرفروشی و مسابقه جمع‌کردن مال و اولاد مشغول می‌شود!]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٧٨﴾ حشر



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ اى مؤمنان، تقواى الهى داشته باشيد [و رعايت وجود خدا را بكنيد و به لوازم عملى اين باورتان پايبند شويد.] و وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ [يكى از مهم ترين لوازم، اين است كه هر كسى خود را در برابر خداى متعال پاسخگو بداند.] و هر كس بايد نگاه كند چه چيزى را براى فرداى دنيا و قيامتش آماده كرده و از پيش فرستاده است. وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ [و حتما هوشيار باشيد] و تقواى الهى را رعايت كنيد [در محاسبه اعمال امروزتان، غفلت نكنيد؛ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ چون خداوند از هر كارى كه مى كنيد، باخبر است [و اين چنين نيست كه شما گمان كنيد كه خداى متعال از برخى از اعمال و افكار شما بى خبر باشد!]

خوف از آخرت

سطر بیست و نهم

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا  
 ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ انسان



[در مسیر فرار بنی اسرائیل از دست فرعونیان، لشکر فرعون که به دنبال بنی اسرائیل آمده بود، به آنان رسید.] فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ زمانی که دو جمعیت [فرعونیان و بنی اسرائیل] یکدیگر را دیدند، قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ اصحاب موسی گفتند: ما قطعاً گرفتار فرعونیان میشویم [و هیچ راه فراری هم نداریم.] قَالَ كَلَّا [اما حضرت موسی به عنوان رهبر و فرمانده بنی اسرائیل] گفت: هرگز! [به هیچ عنوان گرفتار فرعونیان نمی شویم؛] إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ چون پروردگارم در این جنگ، همراه ماست. [من به خدای قدرتمندی که طرف ماست، اعتماد کامل دارم] و مطمئن هستم راه خروج از این بن بست را به زودی به ما نشان خواهد داد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ  
ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾ زلزال



مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ مَثَلُ كَسَانِي كِه وَاوَايت غيرخدا را پذيرفتند [و با آنان هم جبهه شدند تا مشكلاتشان حل شود و پشتيباني داشته باشند]، كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا مَانِدَةً عَنكَبُوتِي مِي مَانِد كِه [از تارهاي نازك و سستش] خانه ساخته باشد! وَإِنَّ أَوْهَنَ الْيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ درحالي كِه قطعاً سست ترين خانه‌ها، خانهٔ عنكبوت است. [به همين صورت، هر پشتيباني غير از خدا، سست است و اگر كساني به پشتيباني غيرخدا دل خوش كنند، هيچ امنيت و آرامشي دريافت نخواهند كرد.] لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ اگر اهل علم و معرفت بودند، [اين مسئله را مي فهميدند كِه پذيرش ولايت دشمنان خدا و دوستي و هم جبهه شدن با آنان براي قدرتمندي بيشتر، سرابي بيش نيست!]





۲۰ فاز غیر جزء محور طرح  
مسطورا

۱- قیام برای خدا، تنها موعظه خدا

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى  
ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ  
بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٦٦﴾ سبأ



قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ [ای پیامبر] بگو شما را فقط به یک مطلب موعظه می‌کنم **أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى** [و آن] اینکه دوتا دوتا و یکی یکی برای خدا قیام کنید [و پا بر منافعی شخصی خود به خاطر خدا بگذارید]. **ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا** سپس [در چنین حالتی، در کار پیامبرتان] اندیشه کنید **مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ** [تا بدانید این] همراه و همنشین شما هیچگونه جنونی [و کم خردی] ندارد **إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ** [بلکه] او فقط هشدار دهنده به شما، بر آمدن عذابی شدید است.

## ۲- قرآن، بهترین راهنما

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٥٣﴾ اسراء



[پس از آنکه بیان شد تورات برای هدایت و راهنمایی بنی اسرائیل فرستاده شده، برای اینکه دانسته شود قرآن کریم تا روز قیامت هادی و راهنمای همهٔ مردم است می فرماید] إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ قطعاً و به راستی که این قرآن [همین کتابی که در دسترس شماست] يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ به آنچه استوارتر و پایدارتر است هدایت و راهنمایی می کند [کتاب زندگی است و تمام مسائل شما را به بهترین نحو پاسخ می دهد] وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ و به مومنانی که اعمال صالح انجام می دهند بشارت می دهد أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا که پاداشی بسیار بزرگ [دنیا و آخرت] مختص آنهاست [علاوه بر اینکه عمل استوارتر و درست انجام داده اند؛ پاداش هم در برابر آن می گیرند. این است برتری و تبعیت از قرآن نسبت به همه مسیرهای دیگر]

۳- قرآن، کتاب مبارک

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ  
أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾ ص



كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ کتاب با عظمتی که منشأ برکات [آسمان و زمین] است را به سوی تو [ای پیامبر] نازل کردیم [چه هدفی از فروفرستادن این کتاب مبارک داشتیم؟ راه بهره گیری از این منبع خیر و برکت چیست؟] لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ تا [همه مردم، چه مسلمان، چه کافر، چه عالم، چه جاهل و ...] در آیات آن تدبر کنند [و مطالب آن را پیگیری کنند و از نگاه سرسری به آن بپرهیزند تا فهم عمومی از این کتاب به دست آورند] وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ و صاحبان مغز [از آیات قرآن] متذکر شوند [بعد از اینکه با تدبر در قرآن، مطالب آن برای عموم جامعه قابل فهم شد، نوبت به تذکر پذیری و عمل به قرآن است که مشروط به داشتن مغز و خرد است و انسان های توخالی و پوچ، ولو اینکه با تدبر در قرآن به فهم قرآن رسیده باشند، به این کتاب آسمانی عمل نمی کنند]

۴- قرآن، موعظه و شفای دل‌ها

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا  
فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧﴾ يونس



يَا أَيُّهَا النَّاسُ ای مردم! [ای تمام انسانها از هر دین و آیینی و در هر زمان و زمین،] قَدْ جَاءَ تَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ برای شما آمد! [چه چیز مهمی آمده که خداوند اینگونه به تمام انسان‌ها بشارت می‌دهد؟ آن مژده بزرگ، همین قرآن است که] موعظه ای از جانب پروردگارتان [یعنی قرآن با تذکرات و بیدارکردن‌های فراوان موجب رشد انسان و رسیدن به حق می‌شود] وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ و شفاء و بهبودی برای هرآنچه [درد و ناخوشی و امراض روحی و قلبی که] درون سینه‌ها است وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ و هدایتی [فراگیر برای نجات انسان‌ها از گم‌شدن‌ها و بیراهه رفتن‌ها] در آن است و [تحفه دیگر آن، برای همه انسان‌ها نیست؛ بلکه تنها برای اهل باور است که] رحمت ویژه مخصوص مومنان است.

۵- ثمرات و سازندگی توحید

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ  
أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿١٨﴾ رعد



[هدایت و دستگیری الهی قطعاً برای کسانی است که رو به سوی خدا کردند، می دانید آنها چه کسانی هستند؟] **الَّذِينَ آمَنُوا** کسانی که [به هر چه باید ایمان بیاورند] ایمان آوردند **وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ** و خاطر جمع شدند و قلبهایشان به سبب یاد خدا به اطمینان می رسد [و از اضطراب و تکان های شدید به آرامش می رسد]، **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** آگاه باشید که فقط با یاد خداست که قلبها به طمأنینه می رسد [و آن نور یقین و مشاهداتی که انسان از یاد خدا پیدا می کند، تاریکی ها و ترس را کنار می زند و هر راه دیگری که انسان برای آرامش غیر از یاد خدا اختیار کند، بیراهه است]

۶- توحید در جهان بینی

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ بقره



وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي و هنگامی که بندگانم درباره من از تو سوال می کنند [انگار اینجا خود خداوند وارد صحنه شده و به جای اینکه پیامبر را واسطه گرداند، خودش جواب بندگان را می دهد] فَإِنِّي قَرِيبٌ پس قطعاً من نزدیکم [از جمله اثرات این نزدیک بودن این است که] أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ درخواست هر درخواست کننده ای را جواب می دهم [نه به این معنا که هرکس درخواستی داشته باشد، جوابش را می دهم؛ بلکه یک شرط دارد و آن اینکه جواب درخواست کننده را می دهم] إِذَا دَعَانِ هنگامی که از من خدا درخواست کند [نه از دیگری] [البته معنای اجابت این نیست که هرچه از خدا خواستیم، عیناً همان را به ما می دهد؛ زیرا چه بسا خواسته های ما که موجب هلاکت ما می شوند و خداوند از روی حکمت و رحمت خود آنها را به ما نمی دهد، معنای اجابت خداوند این است که بدون پاسخ از در خانه خدا بر نمی گردیم]، [حال که من خدا اینگونه با بندگانم مهربانم] فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي پس بندگانم لازم است [با تمام توان دعوت و درخواست] مرا استجابت کرده و لْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ و باید به من ایمان آورده و باور کنند تا رشد و تعالی پیدا کنند

## ۷- ثمرات ایمان حقیقی

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

محمد ﷺ



[انجام دستورات خدا، همیشه آسان نیست؛ مانند جهاد و مبارزه؛ چه بسا جبهه کفر و اسلام به قدری نامتوازن است که اهل ایمان هم هرچه چرتکه می اندازند، هر چه نقشه می کشند، راهی به پیروزی نمی یابند. در این مواقع تکلیف چیست؟ در چنین هنگامه هایی که حتی قدم های اهل ایمان سست شده، تکلیف چیست؟ آیا باید فرمان خدا را فراموش کرد؟ آیا باید فرمان خدا را به تأخیر انداخت؟ خیر! خدا نصرت می کند. مومنان وعده نصرت الهی را شنیدند؛ اما خبری از نصرت نیست، جبهه کفر، چاق و چله در حال رجز خوانی است، هیچ تناسبی بین عده و عده طرفین نیست؛ پس این نصرت الهی چه زمانی وارد میدان می شود؟ چرا نصرت الهی نمی آید؟ آیا منتظر است همه ما کشته شویم و بعد ظاهر شود؟ شرط نصرت الهی این است که]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ای کسانی که ایمان آوردید، اگر خدا را یاری کنید، خداوند هم شما را یاری می کند و قدمهایتان را [در راه یاری خداوند] ثابت و محکم می گرداند. شرط ورود نصرت خداوند به میدان این است که شما برای نصرت خداوند با هر توانی که دارید وارد میدان شوید و با اعتماد به وعده الهی، دل به دریا بزنید. آنگاه که صداقت خود در نصرت دین خدا را در میدان عمل نشان دادید، نصرت خدا می آید]



۸- توحید در جهان بینی

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى ﴿١٤﴾ علق



[این انسان عجب موجودی است! اعمالی از او سر می زند که هوش از سر می پراند؛ واقعا او نمی دانست که چه کار باید می کرد؟ واقعا او کار درست و خطا را نمی دانست؟ چرا می دانست، خوب هم می دانست؛ آنچه نمی دانست چیز دیگری است که اگر می دانست، اینگونه عمل نمی کرد]

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى آیا او ندانست که خداوند [همه چیزش را] می بیند؟

۹- هدف نبوت

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٥٩﴾ حديد



لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ به راستی که ما رسولانمان را همراه دلایل روشن فرستادیم وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ و همراه آن‌ها کتاب نازل کردیم وَالْمِيزَانَ و [همچنین] وسیله سنجش [اعمال و عقاید را بر اساس معیارهای کتاب فرود آوردیم، همه این ارسال و انزال‌ها برای هدفی مهم بوده] لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ برای اینکه جوامع انسانی به وسیله قسط برپا شوند [یعنی خود مردم پرچم قسط و عدل را بلند کنند، نه اینکه منتظر باشند تا کسی بیاید و عدالت را برپا کند] [و قوام و زندگی بشری همراه عدالت باشد؛ اما این هدف تاکنون محقق نشده است، نه به خاطر نقص در کتاب و رسل و ...؛

بلکه به علت دشمنی اهل دنیا با برپایی دین و سستی مؤمنان در مقابله با آن‌ها] وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ و آهن را که در آن سفتی و سختی شدیدی است، نازل کردیم [همان خدایی که کتاب و میزان فرستاد، همان خدا آهن را نیز نازل کرد] وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ و [این آهن] منفعت هایی هم برای مردم دارد [تا مردم از منافع عمومی آن استفاده کنند و مؤمنان نیز از فایده برتر آن بهره گیرند، فایده برترش آنجاست که به جای مَرکب و مسکن، در جنگ با دشمنان دین استفاده شود و به جای دنیا در بنای دین مردم ایفای نقش کند]

[منابع سه‌گانه برپایی قسط فراهم است، کتاب به عنوان منبع قانون الهی و میزان به عنوان مرجع قضاوت و حدید برای اجرای احکام الهی برایتان نازل شده است. از این به بعد شما باید باایمان و انفاق همه‌جانبه، دین را یاری کنید] وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ تا خدا معلوم کند چه کسی [به ندای رسولانش لیبیک می‌گوید و] خدا و رسولانش را در غیب و نهان یاری می‌کند، [حمایتی که تا ایمان به غیب نباشد کسی حاضر به از دست دادن مال و جان خود در آن نیست] [بدانید که خدا به کمک شما احتیاجی ندارد و] إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ همانا او در اوج قدرت و عزت است.

۱۰- هدف نبوت

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾



هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ [یک شخص عادی، پیامبر را فرستاده] او [خداوند عالم] رسولش را فرستاده به همراه هدایت و دین حق [مأموریت پیامبر هم کوچک نیست؛ برای هدایت و برپایی آیین راستی و حقیقت آمده] لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ تا دین حق را بر تمام دین ها پیروز گرداند [آیا این هدف اکنون محقق شده؟ قطعاً خیر؛ زیرا اگر دین حق عالم گیر شده بود، دیگر نباید هر روز اسمی از این ادیان شرقی و غربی و فرقه ها و ایسم ها می شنیدیم] [حال که قدرت مطلق جهان، بهترین آفریده خود را برای بهترین هدف فرستاده؛ آیا چنین کاری رها می شود یا شکست می خورد؟ هرگز! خداوند او را فرستاده تا آیین حق را بر تمام دین-های دروغین که اغلبشان آلوده به شرکند، پیروز کند] وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ و گرچه مشرکان راضی نباشند [و با او مقابله کنند]

۱۱- ثمرات ایمان حقیقی

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا  
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾ عَنكَبُوت



وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا و کسانی که در راه ما تلاش و مبارزه کنند،  
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا قطعاً آنها را به راه هایمان هدایت خواهیم کرد  
[خداوند تضمین کرده که هرکسی خالصانه فقط برای خدا تلاش  
کند به نتیجه خواهد رسید] وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ و قطعاً خداوند  
همراه محسنین است [خداوند در جبهه آنها در برابر دشمنان نشان  
است و یاری شان می کند، کسانی که تقوا داشته باشند و در فراز و  
نشیب زندگی بر این تقوا استقامت کنند تا به درجه محسنین  
برسند]. نتیجه آن که مهم، پایمردی بر تقوا در هر سختی و نشیب  
مسیر زندگی است، و همین که تقوا داشته باشیم خداوند راه  
نجات و هدایت را نشان خواهد داد.

۱۲- توحید در جهان بینی

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ  
وَلِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

انفال ﴿۱۷﴾



[خیالتان راحت، اگر جنگی مطابق دستور خدا باشد قطعاً اگر از او اطاعت کنید، با یاری خدا همراه می شوید و حتماً در جنگ پیروزید]. **فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ** پس [اگر از خدا اطاعت کنید] این شما نیستید که [در جنگ] دشمنان را می کشید **وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ** بلکه خدا آنان را می کشد **وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ** و آنگاه که تیر می اندازی تو نیستی که تیر می اندازی **وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ** بلکه خداست که تیر را می اندازد [و به هدف می رساند و به هر حال شما را پیروز می کند] **وَلِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا** و [لذا همه این صحنه جنگ فقط] برای این است که خداوند، مؤمنین را به آزمایشی نیکو از جانب خود، بیازماید [وگرنه خودش که می توانست بدون کمک مومنین، مستقیماً کفار را با شکست روبرو کند]. **إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** همانا خداوند شنوای داناست [و اعمال شما را در این آزمایش، به خوبی می بیند و آنچه در دلتان می گذرد را می داند].

۱۳- ثمرات ایمان حقیقی

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
 ﴿٦٧﴾ يونس



أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ آگاه باشید که قطعاً کسانی که ولایت خدا را پذیرفته اند [و ایمان آورده و به مقتضای ایمانشان هم عمل کرده اند که همان تقواست] لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ نه از چیزی می ترسند و [از آینده] نگرانند، وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و نه آنان برای هیچ چیزی ناراحت می شوند [و تأسف می خورند. چون میدانند خداوند در هر حالتی حواسش به آنان هست، و اعمال نیک را می نویسد و جزا می دهد و مصائب آینده را کنترل خواهد کرد. لذا در دنیا چیزی جز بشارت و مژده بر قلبشان وارد نمی شود و در هر حالتی در عمق قلبشان، مجموعاً ناراحت نیستند].

## ۱۴- نفی ولایت شیطان

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ  
وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

بقره ﴿۲۵۸﴾



الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ شیطان به شما وعده فقر می دهد [و از فقر می ترساند تا جلوی انفاق کردن و بخشش کالاهای ارزشمند به دیگران را توسط شما بگیرد] وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ و [به وسیله این ترساندن از فقر]، شما را امر به کارهای زشت آشکار [همچون خساست و ناخن خشکی در انفاق یا انفاق از کالاهای کهنه و به درد نخور می کند]. وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ ولی در مقابل، خداوند [با تشویق شما به انفاق] به شما وعده مغفرت از سوی خود می دهد [تا به بهانه انفاقتان، کارهای زشتتان را ببخشد و اثرات آن را هم در جامعه و جهان بپوشاند و از بین ببرد] وَفَضْلًا و همچنین وعده فضل و بخششی از جانب خودش به شما می دهد [به این صورت که اگر انفاق کنید، از فضل خودش جبران خواهد کرد و به شما چیز بیشتری می دهد] وَاللَّهُ وَاسِعٌ و خداوند، هم داراست [و می تواند در مقابل انفاق، به شما بیشتر بدهد] عَلِيمٌ، هم داناست [و می داند که شما انفاق کرده اید و فراموش نمی کند که از فضلش جبران کند].

۱۵- توحید در جهان بینی

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ  
دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ زمر



أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟ [تا در مقابل هر شرّ و دشمنی بنده اش را یاری کند و بنده دیگر اگر از خدا اطاعت می کند از هیچ چیزی نترسد]. وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ درحالی که تو را از کسانی که غیر از خدا و پایینتر از او هستند [همچون استکبار جهانی] می ترسانند [تا مستقل از اطاعت خدا، هوای آنها را هم داشته باشی تا به تو آسیبی نرسانند]. وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ پس دیگر هدایتگری برای او نیست [چون خداوند اراده گمراهی او را کرده است و طبق قاعده ابتدای آیه، همین برای گمراهی او کافی است و کسی غیر از خدا نمی تواند او را از این کوری و نفهمی نجات دهد].



## ۱۶- ثمرات توحید

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ  
إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۵۲﴾ زمر



قُلْ [ای پیامبر، از قول خدا] بگو: **يَعِبَادِيَ** ای بندگان عزیز من **الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ** که بر خودتان اسراف کرده‌اید [و سرمایه خود را در زندگی دنیا به هدر داده‌اید و چیزی در برابر آن برای زندگی اصلی به دست نیاورده‌اید؛ با این که گناهکارید هنوز بندگان خودم هستید]، **لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ** از رحمت خداوند ناامید نشوید [تا زنده‌اید هیچ وقت برای توبه و بازگشت و تسلیم در برابر اوامر خدا، دیر نیست؛ قبل از این که عذاب برسد و فرصت توبه تمام شود در هر حالی هستید بازگردید چون] **إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا** قطعاً خداوند همه گناهان را [بر بنده‌ای که توبه کرده و قبل از عذاب، از مسیر اشتباه بازگشته] می‌بخشد [هم وزر و وبالش را می‌بخشد و هم آثار منفی آن گناه در جهان را پاک می‌کند]! **إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ** همانا اوست بسیار بخشنده **الرَّحِيمُ** مهربان [بر بندگانی که به سوی او توبه کرده‌اند و قصد تسلیم در برابرش را دارند]. [بخشنده مهربان در این حد، جای دیگری پیدا نمی‌شود].

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ  
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾ ق



وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ قِطْعًا مَا خُودِمَانِ انْسانِ را خَلقِ كرده ايم [و به همه پيچيدگي هاي او از همه كس آگاهتريم و او را مي شناسيم] وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ و آن وسوسه هايي كه نفسش بر او مي كند را مي دانيم [مي دانيم در دل او چه مي گذرد، نمي تواند ما را فريب دهد و چيز ديگري را بهانه كند. مي دانيم اصل خواسته و حرف او در هر بهانه اي چيست] وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ و ما به او از رگ گردن نزديكتريم [به طوري كه قبل از آنكه وسوسه به دل او برسد، اول به ما مي رسد و حتي قبل از خودآگاه يا حتي ناخودآگاه او مي دانيم به چه وسوسه شده. حال هر حرف ديگري كه مي خواهد بزند مثلاً بگويد اقناع نشده ام يا فلان چيز عادلانه نيست يا ...؛ اينها بهانه اي است براي آن وسوسه اي كه در دل دارد مثل دنيا دوستي و...، كه موجب پذيرفتن دين و بهانه گيري و تسليم نبودنش در برابر خدا شده است. ما را نمي تواند فريب دهد].

۱۸- ثمرات ایمان حقیقی

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ ماشده



وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا و هر کسی که ولایت خدا و رسولش و ولایت مؤمنین [که مصداق بارز آن ائمه اهل البیت ع در زمان حضور رسول، هستند؛ و سپس یاران آن حضرات در زمان جانشینی اهل بیت ع برای رسول] را بپذیرد، [در جرگه «حزب خدا»] در می آید و نتیجتاً حتماً پیروز است. چون [فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ] پس همانا حزب خدا، همان پیروزان [در هر درگیری] هستند. [لذا در جستجوی پیروزی به سمت ولایت دیگر قدرت ها نروید، و فقط با خدا و جبهه او ببندید، تا به پیروزی برسید].

۱۹- نبوت و رستاخیز اجتماعی و رها کردن مردم از غل و زنجیرها

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۵۷﴾ اعراف



[با تقوا، این انسان ها هستند:] الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي كَسَانِي كه از فرستاده شده [به ماموریت هدایت بندگان] پیام آور درس نیاموخته [از بشر؛ عالم بی استاد] تبعیت کنند. الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ از همان رسولی که [نام] او را نزد خودشان، در همان کتاب های تورات و انجیل [خودشان] نوشته شده می یابند [و کافی است به این کتب رجوع کنند تا نام او را به عنوان پیامبر وعده داده شده ببینند]. يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ پیامبری که [پیروی از او جز خیر و راحتی هیچ ندارد:] آنان را [فقط] به کارهای پسندیده امر می کند وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ و از کارهای ناپسند نهی شان می کند [نه اینکه به چیزی خلاف زیبایی و پسندیدگی امر کرده باشد]. وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ و پاکی ها را بر آنها حلال می کند وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثِ و پلید و خبیث ها را بر آنها حرام می کند [نه این که امری بر خلاف پاکی و خبائثت در تکوین عالم صادر کند]. وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ و قید و غل و زنجیرهایی که بر دست و پایشان بوده و آنان را محدود کرده بود را برمی دارد و آنان را آزاد می کند [نه آن که آنان را محدودتر و برده تر از قبل کند. قوانین دین، چیزی جز قوانین آزاد شدن بشر از بندهای درونی و بیرونی نیست تا بتواند او را قوی کند، و انقلابی بار بیاورد تا زیر بار زور و قواعد بی اساس نرود]. فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ پس با این حساب، رستگاران [که به راحتی و آزادی می رسند]، فقط کسانی هستند که به او ایمان بیاورند و اعتماد کنند، و پشتیبانی اش کنند و یاری اش نمایند؛ و از نوری که [به نام قرآن یا اهل بیت ع] همراه او نازل شده است تبعیت کنند.

۲۰- معاد - ثمرات یاد قیامت

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ

ص ۴۸



إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ یقیناً ما [درباره بندگان خالص و پیامبران والای خویش،] آنان را با یک «خالص ساز» به نام «یاد آخرت» خالص کردیم و به اخلاص رساندیم. [یاد آخرت، چیزی است که هرچه بیشتر و پررنگ تر شود انسان را خالص تر می کند تا جایی که از دنیا کاملاً دل کنده و فقط خالصانه به محاسبات واقعی می پردازد. این ابزار آنقدر مؤثر و پیشرفته است که درمورد انبیای پیشین به کار رفته است.]



به صورت گروهی و یا حتی فردی برای خدا قیام کنید، اگر خدا میخواست تنها یک سخن خیرخواهانه به انسان تعلیم دهد، همین سخن کافی بود. هیچ چیزی مایه حیات و سرزندگی انسان نمی‌شود مگر قیام و مبارزه شبانه‌روزی برای خدا (سوره سبأ، آیه ۴۶).

اما این قیام نیاز به «امید» دارد که «ایمان» آن را مهیا می‌سازد؛ نیاز به «جهت صحیح حرکت» دارد که «توحید» آن را تعیین می‌کند؛ نیاز به «برانگیختگی» درونی و مبارزه با طاغوت دارد که «نبوت» زمینه‌سازش است؛ نیاز به «اتحاد و پیوستگی» دارد که «ولایت» آن را ایجاد می‌نماید و در نهایت نیاز به «مقصدی» فراتر از عالم ماده دارد که «معاد» شاه‌کلیدش است.

